



تا منزل عنقاء (غیب و راه‌های آگاهی بر غیب)

جواد رفوی



مرکز بین‌المللی
ترجمه و نشر المصطفی ﷺ

سخن ناشر

با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و در عصر جهانی شدن ارتباطات، پرسش‌ها و چالش‌های نوینی در حوزه علوم انسانی فراروی اندیشمندان مسلمان قرار گرفت که همه به نوعی برخاسته از مسئولیت دشوار حکومت در این عصر است؛ دورانی که پای بندی به دین و سنت در مدیریت همه‌جانبه کشورها بسیار چالش برانگیز می‌نماید. از این رو مطالعات و پژوهش‌های به‌روز، جامع، منسجم و کاربردی در حوزه دین، بر اساس معیارهای معتبر جهانی و عمق و اصالت اندیشه‌های ناب، بایسته و ضروری است و جلوگیری از انحرافات فکری و تربیتی پژوهندگان حوزه دین، مهم و مورد عنایت تمامی بنیان‌گذاران این شجره طیبه، به‌ویژه معمار بزرگ انقلاب اسلامی، امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری علیه السلام می‌باشد.

«جامعة المصطفیٰ علیه السلام العالمية» برای تحقق این رسالت خطیر و در مسیر نشر معارف ناب محمدی علیه السلام «مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفیٰ علیه السلام» را تأسیس کرده است.

در پایان لازم می‌دانیم تلاش همه عزیزانی را که در نشر این کتاب سهمی داشته‌اند، سپاس گزارده، ارباب فضل و معرفت را به یاری بخوانیم تا ما را از دیدگاه‌های سازنده خویش بهره‌مند سازند.

مرکز بین‌المللی

ترجمه و نشر المصطفیٰ علیه السلام

پیش‌گفتار

سپاس سرمد خدای را که جان را فکرت آموخت و چراغ دل به نور دانش بیفروخت و درود بی حد، بر سید کائنات و صدرنشین عالم امکان، حضرت محمد مصطفی ﷺ و خاندان مطهرش، مخصوصاً آخرین ذخیره عالم غیب حضرت بقیه الله الاعظم مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه.

کتاب پیش‌رو حاصل بازنویسی و تکمیل دو اثر درباره علم غیب است: اثر نخست، پایان‌نامه کارشناسی ارشد بنده در دانشگاه علوم اسلامی رضوی با عنوان «علم غیب» که سال ۱۳۸۲ با راهنمایی استاد معزز حجت الاسلام والمسلمین عزیزالله فیاض صابری و مشاوره استاد فقید آیت الله محمدهادی معرفت رحمته الله تدوین گردید و اثر دوم، تحقیق پایانی طلبه محترم حجت الاسلام والمسلمین سیدمحمد حسینی در رشته کلام جامعه المصطفی رحمته الله العالمیه نمایندگی مشهد با عنوان «رابطه امامت و علم غیب» است که با راهنمایی بنده در سال ۱۳۹۰ نوشته شد.

برای بنده، علم غیب و عالم غیب، از موضوعات جذابی بوده و هست که انسان را به خواندن هر کتابی با این موضوع وامی‌دارد و نتیجه این جذابیت، انتخاب موضوع غیب به عنوان پایان‌نامه مقطع ارشد بود که البته در زمانی بسیار کوتاه تألیف گردید. علاوه بر این، سال‌های بعد از نوشتن

پایان نامه، بارها در کلاس درس و جلسات فرهنگی، که با طلاب و دانشجویان داشتم، با پرسش‌هایی درباره غیب، عالم غیب و به‌ویژه علم غیب ائمه علیهم‌السلام روبه‌رو شدم. مجموع این امور، انگیزه‌ای شد برای بازبینی و تکمیل مطالبی که در پایان نامه گردآوری کرده بودم. محور این مطالب، بحث درباره چیستی غیب، عوالم غیب و همچنین علم غیب بود و علم غیب انبیا و امامان معصوم علیهم‌السلام، فقط به صورت استطرادی در این نوشته طرح شده بود. از این رو، به طلبه فاضل، آقای حسینی، پیشنهاد شد مباحث خوبی را که در اثبات علم غیب پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و جانشینان معصوم او برای تحقیق پایانی تدوین کرده بودند، به این مطالب ضمیمه کنند و زحمت بازنویسی دو مجموعه را در قالب یک کتاب به عهده گیرند؛ ولی از آنجاکه ایشان مشغول فعالیت تحصیلی و علمی دیگر بودند، این امر میسر نشد تا این‌که به حول و قوه الهی، توانستم در لابه‌لای مشاغل علمی، زمانی را برای بازبینی، تکمیل و بازنویسی دو اثر مذکور فراهم کنم که حاصل آن، نوشتار پیش‌روست. در پایان از همه سرورانی که زمینه‌ساز تدوین این اثر بوده‌اند، به‌ویژه استادان محترم راهنما و مشاور و مسئولان محترم دانشگاه علوم اسلامی رضوی، تقدیر و تشکر کنم و امیدوارم این اثر ناچیز از سر لطف، مقبول حضرت حق و مورد عنایت ارباب معرفت واقع گردد.

جواد رقوی

عضو هیئت علمی جامعه المصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم العالمية

مشهد مقدس

۱۳۹۸/۴/۵

فهرست

۱۱	مقدمه
۱۹	۱. عالم غیب
۱۹	چیستی غیب
۲۳	غیب در قرآن
۲۵	اقسام غیب
۲۶	الف) غیب مطلق
۲۸	مصادیق غیب مطلق
۲۹	۱. ذات خداوند متعال
۳۰	۲. مفاتیح الغیب
۳۵	۳. علم الساعه
۳۶	ب) غیب نسبی (مضاف)
۳۷	ج) غیب ماورای طبیعت
۳۸	۱. وجود و صفات خداوند متعال
۳۹	۲. فرشتگان
۴۱	۳. عالم برزخ و قیامت
۴۱	۴. بهشت و دوزخ
۴۱	۵. روح
۴۲	۶. مرگ

- ۴۳ وجود مقدس امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف
- ۴۳ ۸. لوح، قلم، کرسی و... ..
- ۴۴ (د) غیب عالم طبیعت
- ۴۵ ۱. حوادث گذشته
- ۴۶ ۲. حوادث آینده
- ۴۶ ۳. امور مادی خارج از قلمرو ادراکات حسی
- ۴۹ ۲. علم غیب
- ۴۹ معنای لغوی علم
- ۵۱ معنای اصطلاحی علم
- ۵۵ علم حصولی و علم حضوری
- ۵۶ علم غیب در آیات
- ۵۹ علم غیب در روایات
- ۶۱ بررسی دو دسته از آیات و روایات
- ۶۲ جمع دو دسته از آیات و روایات
- ۶۴ علم غیب و اقسام آن
- ۶۷ ۱. علم غیب ذاتی
- ۶۸ ۲. علم غیب فیضی
- ۶۹ دو دیدگاه درباره تعریف اصطلاحی علم غیب
- ۷۱ بررسی دو دیدگاه در تعریف علم غیب
- ۷۵ تکمیل دیدگاه اول و تعریف پیشنهادی برای علم غیب
- ۷۷ گستره علم غیب طبق تعاریف مذکور
- ۷۹ علم غیب در عرفان و فلسفه اسلامی
- ۸۲ ۱. نظریه فارابی (متوفا ۳۳۹ق)
- ۸۴ ۲. نظریه شیخ الرئیس ابن سینا (متوفا ۴۲۸ق)
- ۸۵ ۳. دیدگاه صدرالمألهین شیرازی (متوفا ۱۰۵۰ق)
- ۸۷ ۴. دیدگاه علامه طباطبائی

۵. دیدگاه آیت الله جوادی آملی _____ ۸۸
- علم غیب در اصطلاح متکلمان شیعه _____ ۸۸
۱. دیدگاه شیخ مفید (متوفا ۴۱۳ق) _____ ۹۰
۲. دیدگاه سید مرتضی علم الهدی (متوفا ۴۳۶) _____ ۹۳
۳. دیدگاه شیخ طوسی (متوفا ۴۶۰ق) _____ ۹۴
۴. دیدگاه امین الاسلام طبرسی (متوفا ۵۴۸ق) _____ ۹۵
۵. دیدگاه علامه حلی (متوفا ۷۲۶ق) _____ ۹۶
۶. دیدگاه حکیم لاهیجی (متوفا ۱۰۷۲ق) _____ ۹۶
- دیدگاه اندیشمندان اهل سنت _____ ۹۷
- تحلیل اختلاف منکرین و مثبتین علم غیب نبی و امام _____ ۱۰۵
۳. دانای غیب _____ ۱۰۹
- دانای غیب به علم ذاتی و دانای غیب به علم فیضی _____ ۱۱۰
۱. انبیا و پیامبران الهی ﷺ _____ ۱۱۱
- الف) آیاتی که امکان آگاهی پیامبران را از غیب ثابت می‌کنند _____ ۱۱۲
- ب) آیاتی که ثابت می‌کنند برخی پیامبران الهی از غیب خبر داده‌اند _____ ۱۱۳
۲. امامان معصوم ﷺ _____ ۱۱۸
۳. فرشتگان _____ ۱۲۳
۴. بندگان صالح (اولیاء الله) _____ ۱۲۴
- اجته و علم غیب _____ ۱۲۷
- سخنی درباره کاهنان و عرفان _____ ۱۳۰
۴. راه‌های آگاهی بر غیب _____ ۱۳۵
- وحی _____ ۱۳۶
۱. وحی گزاره‌ای _____ ۱۳۶
۲. افعال گفتاری _____ ۱۳۷
۳. تجربه دینی _____ ۱۳۷
۴. ابعاد تفاوت سه دیدگاه با یکدیگر _____ ۱۳۸

- ۱۳۹ ۵. وحی در قرآن
- ۱۴۱ الهام
- ۱۴۳ کشف و شهود
- ۱۴۷ برهان و آگاهی بر غیب
- ۱۴۹ نتیجه و جمع بندی
- ۱۵۱ کتابنامه

مقدمه

من به سر منزل عنقاء نه به خود بردم راه

قطع این مرحله با مرغ سلیمان کردم

عالم هستی، همچون دفتری است که فقط اوراق اندکی از آن بر ما گشوده شده. این دفتر را اوراقی است ناگشوده؛ اما گشودنی و اوراقی است همیشه ناگشودنی. این اوراق نادیدنی، همان مراتب غیب عالم هستی است که دستیابی به آن آرزوی انسان از بدو خلقت بوده. انسان‌های بزرگی از جانب حضرت حق، پیام‌آور حقایق موجود در این اوراق بوده‌اند. اما آنان که به مدد الهی، پیام‌آور عالم غیب برگزیده شده‌اند، خبر آورده‌اند که انسان، فقط به محدوده اندکی از این عالم دسترسی دارد. قلمرو وسیعی از این اقلیم بی‌کران، عالم غیب است و عالم غیب خواهد بود. عارفان، استعاره عنقاء را برای بیان این حقیقت به‌کار برده‌اند که آنجا آشیانه سیمرغ است و نه فقط کسی را به آنجا راه نیست؛ بلکه فراتر از کمند خیال صیادان زیرک عرصه اندیشه است. مقامی است که افکار بلند ژرف‌اندیش را به آن راهی نیست و دست غواصان علوم و دانش از آن کوتاه است. مستور ازلی و ابدی است، آنجا مقام عماست، مقام نادیدنی و غیب مطلق، منزلگاه عنقاست.

از میان انبیا علیهم السلام، فقط «حبيب» ﷺ را تا آستانه این منزل بار داد و تاج قاب قوسین بر سر او نهاد؛ لکن خطاب لن ترانی را بر گوش جان آنان زمزمه کرد و مفتاح دیگر اوراق ناگشوده را در کف همت آدم نهاد. انبیا مردم را با دعوت «تعالوا» به تماشای آن حقایق فرا خواندند. آن‌گاه قافله مشتاقان شهود عالم غیب، حرکت آغاز کرد و سیر انسان در مسیر غیب و شهود آغاز شد. بر سر راه این قافله، آیات و نشانه‌ها نهاد و انبیا را ساربانان این راه نمود؛

در این ره انبیا چون ساربان‌اند	دلیل ورهنمای کاروان‌اند
وز ایشان سید ما گشته سالار	همو اول همو آخر در این کار
در این ره اولیا باز از پس پیش	نشانی داده‌اند از منزل خویش

این‌گونه است که غیب و دست‌یازی بر غیب، از دیرباز همواره مشغله فکر و ذهن اندیشمندان بوده و هست. علم به غیب و آگاهی بر امور غیبی، مدعای بسی مردان و آروزی بسی کسان بوده است؛ از پیامبران الهی گرفته که با گفتار و حیانی خود نسیم عالم غیب و شمیم حضرت دوست را در این عرصه خاکی پراکنده‌اند و شایستگان را به همراه خود از این خاکدان ماده و طبیعت به عالم ملکوت و حقیقت برکشیده‌اند تا عارفان نامی که عمری در طلب بال و پر در آوردن از عالم غیب، راه سیروسلوک را و جبهه همت خود گردانیده‌اند. در این میان، افرادی از صحنه تاریخ سر برآورده و با عناوینی همچون کاهن و عرّاف و...، داعیه آگاهی بر اموری داشته‌اند که دیگران را بر آن آگاهی نیست. آنان درباره آینده و گذشته سخن گفته و به این طریق، جمعی را به گرد خویش فرا آورده و مدعی غیب‌گویی و غیب‌دانی شده‌اند. این نوشتار، سیری

است با ریسمان نقل و نردبان عقل در فرازونشیب اوراق ناگشوده؛ اما گشودنی تا آستانه اوراق همیشه ناگشودنی.

به راستی غیب چیست و عالم غیب کجاست؟ قلمرو عالم شهود تا کجاست؟ علم غیب چیست و آیا انسان را به غیب دسترسی هست یا خیر؟ آیا علم غیب مخصوص خداوند است یا دیگران هم می‌توانند از آن برخوردار شوند؟ در صورت امکان، انسان چگونه می‌تواند از علم غیب بهره‌مند گردد؟ آیا فنونی همچون کهنات، تنجیم، فال بینی، کف خوانی و جز آن، نوعی علم غیب است؟

اینها پرسش‌هایی است که از دیر باز مطرح بوده و پاسخ‌های گوناگونی دریافت نموده است.

هر گروه از مفسران، عرفا، فیلسوفان و متکلمان، از زاویه‌های متفاوتی به موضوع علم غیب توجه کرده‌اند. عرفا مراتب غیب را نه موضوع تحقیق و بررسی؛ بلکه عرصه سیروسلوک و شهود دانسته و در این میان، حضرت غیب مطلق را نه جایگاه فهم و ادراک ماسوی؛ بلکه آشیان سیمرغ و منزلگاه عنقاء دانسته‌اند که شکار کسی نشود و باید طمع‌یازی بر آن را کنار نهاد و دام برچید.^۱ حکما برای غیب مراتبی برشمرده و مرتبه‌ای را نامحدود و فراتر از کمند ادراک و فاهمه انسان خوانده و مرتبه‌ای را با نردبان عقل قابل دسترسی دانسته‌اند. اما قرآن، ریسمان آویخته از عالم

.۱

برو این دام بر مرغ دگر نه که عنقاء را بلند است آشیانه

(حافظ، غزل ۴۲۸)

عنقاء شکار کس نشود دام باز گیر کان جا همیشه باد به دست است دام را

(حافظ، غزل ۷)

غیب، بارها و بارها از غیب و عالم غیب سخن گفته. در آیات آغازین سوره بقره، ایمان به غیب از صفات متقین برشمرده شده است. ذیل این آیه، مفسران مطرح کرده‌اند که غیب چیست که ایمان به آن، ویژگی متقین و شرط بهره‌مندی انسان از هدایت قرآن معرفی شده؟ در آیات فراوان دیگر، بر خداوند متعال وصف «عالم الغیب» اطلاق شده است. از طرفی، پیامبران همواره از امور نامحسوس و غایب از دیگران، به اعجاز خبرها داده‌اند که در انظار مردم، علم غیب شمرده می‌شود. در باب روایات نیز چنین بوده و در برخی روایات، علم غیب منحصر به خداوند دانسته شده است و در برخی دیگر، دلالت و اشارتی به بهره‌مندی انبیا و ائمه از این علم وجود دارد. از این رو، تلقی مفسران و متکلمان مسلمان از این آیات و روایات، دو دیدگاه متفاوت را باعث شده: یکی این که انحصار علم غیب در خداوند متعال است که در این میان، برخی راه افراط پیموده و هرگونه قائل شدن علم غیب برای غیر خدا را شرک دانسته‌اند؛ در حالی که گروهی، علم غیب را برای انبیا و ائمه علیهم‌السلام ثابت دانسته و به آیات و روایات بر این مدعا استدلال کرده‌اند.

نوشتار پیش رو در پی آن است تا در حد توان، به تنقیح معنای غیب، و ارائه تعریفی جامع و مانع برای علم غیب پردازد و از این طریق، پاسخی مناسب به پرسش‌های مذکور، همچون چیستی غیب، انواع و مراتب غیب و امکان و راه‌های دسترسی به غیب، ارائه دهد. از دیگر مباحثی که پرسش‌های فراوانی را برانگیخته، امکان و میزان دسترسی انبیا و ائمه علیهم‌السلام به علم غیب است که در این تحقیق، واکاوی و به اثبات آن پرداخته شده.

در حوزه این پژوهش، مباحث کتب کلامی درباره غیب، معطوف به

ثبوت و عدم ثبوت آگاهی انبیا و ائمه علیهم السلام بر غیب و امکان علم غیب برای غیر خداوند متعال بوده است. در کتب تفسیری نیز غیب، بیشتر از آن حیث مورد توجه قرار گرفته که متعلق ایمان بوده و مفسران به ذکر مصادیق غیب پرداخته‌اند که باید به آن ایمان داشت.

بین متقدمین، این بحث بیشتر در حاشیه، به عنوان تفسیر آیات مرتبط با غیب، اظهار یک عقیده یا ردّ یک شبهه مطرح بوده است. در کتب تفسیر، غالباً به صورت گذرا به علم غیب اشاره شده که نمونه آن را در تفسیر *التبیان* شیخ طوسی می‌توان ملاحظه کرد و در ادامه به آن اشاره خواهد شد. از متکلمینی که به این مسئله توجه داشته، شیخ مفید است که در کتب متعدد مانند *دلائل الامامه* و *الارشاد* به این موضوع اشاره کرده. در مجامع روایی شیعه مانند *اصول کافی* از محمد بن یعقوب کلینی و *بحار الانوار* از علامه مجلسی، به مناسبت‌های گوناگونی نظیر علوم ائمه علیهم السلام، اخبار ائمه علیهم السلام از آینده و صفات ائمه علیهم السلام، به این مسئله توجه شده.

میان متأخرین، مسئله غیب با محوریت امکان و اثبات علم غیب انبیا و ائمه علیهم السلام، با تفصیل بیشتری مطرح گردیده. کتاب *علم الامام* از مرحوم محمدرضا مظفر، *اثبات ولایت*، *علم غیب ائمه* اثر مرحوم علی‌نمازی شاهرودی و *علم غیب یا آگاهی سوم* اثر استاد آیت‌الله سبحانی، سه اثر مستقل درباره علم غیب‌اند که با محوریت علم ائمه علیهم السلام تألیف شده‌اند.

در این کتب مباحث مفیدی درباره غیب و علم غیب آمده و به مصادیق غیب در آیات قرآن اشاره شده؛ اما چپستی و ماهیت غیب و عالم غیب مورد بررسی کافی قرار نگرفته و مباحث، بیشتر معطوف به اثبات علم غیب ائمه اطهار علیهم السلام بر اساس ادله و شواهد نقلی است. از این رو، آنچه وجه متمایز اثر پیش‌روست، پرداختن به موضوع غیب و

علم غیب بر مبنای تحلیل مفهومی و بررسی نظری ماهیت و چیستی غیب، مراتب غیب و علم غیب است تا از این معبر، به ضمیمه مباحث روایی و نقلی، راهی به سوی اثبات علم غیب انبیا و ائمه علیهم السلام گشوده شود. ویژگی دیگر این اثر، آن است که برخلاف آثار دیگر که در آنها اثبات علم غیب برای انبیا و ائمه علیهم السلام به صورت پسینی صورت می‌گیرد، یعنی بعد از ادعای علم غیب به اثبات آن پرداخته شده، در این نوشتار اثبات علم غیب انبیا و ائمه علیهم السلام به صورت پیشینی است؛ یعنی مباحث به‌گونه‌ای است که نتیجه منطقی آن، امکان و اثبات علم غیب برای انبیا و ائمه علیهم السلام است. به عبارت دیگر، توضیح چیستی غیب و مراتب غیب، به‌گونه‌ای است که لازمه آن ثبوت علم به غیب برای عده‌ای خاص خواهد بود؛ اگرچه در ضمن مباحث، به‌صورت خاص به اثبات علم غیب ائمه علیهم السلام پرداخته شده است.

ضرورت انجام این پژوهش نیز با دقت در گستره منازعات کلامی، بیشتر جلوه می‌کند. امکان علم غیب برای ماسوی‌الله، از مباحثی است که منازعات کلامی فراوانی در پی داشته و دو دیدگاه کاملاً متضاد را باعث شده و درحالی‌که گروهی آگاهی بر غیب را برای انبیا و ائمه معصوم علیهم السلام حقیقتی انکارناپذیر می‌دانند، عده‌ای علم غیب را منحصرأز آن خداوند دانسته و حتی قائل به چنین علمی برای غیر خدا رومی به کفر کرده‌اند. شگفت آن‌که هر دو طرف، دیدگاه خود را به آیات قرآن مستند نموده و از کلام الهی، به نفع مدعای خویش شاهد آورده‌اند. از این رو، بررسی حقیقت غیب و واکاوی چیستی و مراتب آن، مقدمه‌ای ضروری برای رسیدن به برداشتی صائب درباره امکان آگاهی ماسوی بر غیب است. از سویی، با وجود بحث‌های مفید در بعضی کتب تفسیری و

کلامی و کتاب‌هایی که به‌طور خاص درباره علم غیب انبیا و ائمه علیهم‌السلام به رشته تحریر درآمده، آنچه در این نوشته‌ها کمتر به آن توجه شده، چیستی و حقیقت غیب است. در بیشتر آثار موجود، معنا و مصادیق غیب منقح نشده؛ از این رو برخی به نفی علم غیب از غیر خداوند پرداخته و هرگونه اطلاق علم غیب بر غیر خدا را ممنوع، و چه بسا مایه شرک دانسته‌اند؛ درحالی‌که گروهی دیگر، ثبوت علم غیب درباره ماسوی‌الله را امری مسلم و مفروض قلمداد کرده‌اند که جای هیچ‌گونه شک و شبهه‌ای در آن نیست. آنچه در این پژوهش مطمح نظر است، به‌دست دادن مجموعه‌ای مباحث منسجم در باب غیب از طریق واکاوی مفهوم غیب، عوالم و مراتب غیب و بررسی تعاریف علم غیب است. درنهایت، هدف این تحقیق ارائه تصویری روشن‌تر از چیستی غیب و عالم غیب است که بالطبع، به تعریفی دقیق‌تر از علم غیب خواهد انجامید و از نتایج آن ارائه معیاری برای داوری درباره امکان آگاهی بر غیب و اثبات علم غیب برای انبیا و ائمه علیهم‌السلام خواهد بود.

